



اصول کارگردانی سینما

نیکولاس تی. پرافیز

ترجمه‌ی رضا نبوی

نشر افکار، ۱۳۸۸

در ویراست جدید کتاب فصل‌ها و سرمشق‌هایی به آن اضافه شده که می‌تواند باعث تقویت، روشنی، و توجیه ضرورت آن شود. فصلی تازه به سازمان‌دهی ماجرای نمایشی در صحنه‌ی نمایشی اختصاص داده شده و در آن بر سه عنصر تأکید شده است که مختص به روش‌شناسی مؤلف است: بلوک‌های نمایشی، بندهای روایی و بزنگاه. در چاپ تازه تحلیل عمیقی از یکی از صحنه‌های نمایشی فیلم «بدنام» آلفرد هیچکاک اضافه و همراه با این تحلیل نقشه‌های کف برای چینش و دوربین و همچنین ارائه‌ی تابلو داستان‌های فیلم کامل شده است. در چاپ حاضر، از نظر برنامه‌های آموزشی گزینه‌های گوناگونی در اختیار مربی قرار می‌گیرد، از جمله یک کارگاه مقدماتی کارگردانی هفته به هفته و یک کارگاه پیشرفته‌ی کارگردانی و تمرینات میدانی مکمل برای کمک به تسلط و اشراف دانشجو بر روشی که در کتاب آمده است.

برنامه‌ی نوشتن کتاب بهانه‌ای برای نویسنده بوده تا رشته سخنرانی‌هایش در کلمبیا و اروپا را گسترش دهد. کتاب تأکید اصلی مولف بر مهارت داستان‌گویی روایی در صحنه‌ی کلاسیک است. هدف وی نشان‌دادن جعبه ابزاری مجهز به همه‌گونه ابزار می‌باشد تا به وسیله‌ی آنها بتوان در پرداخت هر گونه داستان مهارت یافت.

نویسنده مدعی است هر مشتاق کارگردانی فیلم، ضرورت دارد که این کتاب را بخواند، البته نه برای کسب مهارت در فیلم‌سازی، بلکه برای الهام‌گرفتن این که تنها از طریق پروردن پرورد و رنج مهارت خود می‌توان روند خلاقیت هنری را پی گرفت. به گفته‌ی مؤلف طراحی یا روش کتاب حاضر نیز بر مبنای این نظر است که فیلم‌نامه - یعنی نقشه‌ی تفصیلی یا اوزالید یک فیلم - تمام کارهایی را که کارگردان باید انجام دهد به ما می‌گوید. ما بر چهار مورد متمرکز می‌شویم: خط و ربطیابی فیلم‌نامه، میزاسن بازیگران، دوربین در نقش راوی، و کار با بازیگران

در بحث درآمدی بر زبان و دستور زبان فیلم به عناصری که بر پرده ظاهر می‌شوند، اشاره شده است. نویسنده این عناصر نمایشی نهفته را در فصل دوم مورد توجه قرار می‌دهد. آشنایی با عناصر نمایشی نهفته در فیلم‌نامه: شیرازه‌ها، شخصیت، شرایط، مناسبات دینامیک، خواست‌ها، انتظارات، اقدام‌ها، مشغولیت، بندهای اقدامی. نویسنده علاوه بر عناصر روایی/نمایشی که معرفی می‌کند به عناصر دیگری هم اشاره می‌کند، عناصری که متعلق به قلب و روح روش ارائه شده در کتاب هستند و وی آنها را از لابه‌لای صدها صحنه‌ی نمایشی فیلم‌های گوناگون از گونه‌ها و فرهنگ‌های گوناگون پیدا کرده است.

در ارتباط با سازمان‌دهی ماجرای نمایشی در صحنه‌ی نمایشی: بلوک‌های نمایشی، بندهای روایی و بزنگاه بررسی شده و سپس عناصر نمایشی صحنه‌ی ایوان فیلم بدنام و همچنین صحنه‌ی حاشیه‌نویسی‌شده‌ی ایوان فیلم بدنام بررسی شده‌اند. بخش اول کتاب با دوربین و دوربین در صحنه‌ی ایوان فیلم بدنام به پایان می‌رسد، چینش و دوربین برای یک تکه سیب، علامت‌گذاری متن فیلم‌برداری با دوربین‌گذاری‌ها، کار با بازیگران، مسئولیت‌های مدیریتی کارگردان و مرحله‌ی پس از تولید اختصاص داده است.

مؤلف در پی توجه‌دادن خواننده برای کارکردن جدی و مستمر روی فیلم‌هایی است که در کتاب ذکر شده، به ویژه فیلم‌هایی که در بخش سوم آمده‌اند. وی معتقد است با این کار بخش درازی از راه پشت سر گذاشته شده و می‌توان این عناصر نمایشی را ابزار کار فیلم‌های خود قرار داد. در این بخش به تحلیل ژرف سه فیلم پرداخته می‌شود. علت انتخاب این فیلم‌ها از آن روست که نمونه‌های روشنی از مقوله‌های نمایشی که در دو بخش یک و دو به آنها اشاره شد، در آنها وجود دارد.

نویسنده سپس به بدنام آلفرد هیچکاک می‌پردازد که در فصل‌های قبلی کتاب از آن برای آوردن نمونه‌هایی از انواع اصول و تکنیک‌ها استفاده کرده است، در بررسی بسیاری از وجوه فیلم‌سازی کارایی دارد.

نمایش ترومن پیتر ویر و ۸/۵ فلینی در ادامه مورد توجه قرار گرفته است. فصل پایانی نیز به سبک‌ها و ساختارهای نمایشی اختصاص دارد.